

یادداشت

قطعی اینترنت و پیامدهای آن در دانشگاه



محسن هوشمند*

در اواسط دی‌ماه به واسطه اعتراضات اقتصادی و تبعات بعد از آن، دولت تماس تلفن همراه و پیامک و اینترنت را قطع کرد. بعد از چند روز اینترنت صر‍فا برای سایت‌ها و خدمات داخلی گشوده شد که البته بعضی از آنها تاکنون به‌درستی کار نمی‌کنند و دچار ایراد کارگردی هستند. این سست‌ها موجب واکنش‌هایی در کشور شد.
خاصه در برخی از گزارش‌های خبری به عواقب قطعی اینترنت در تولید خبر و تأثیرات سوء، آن در عدم امکان جمع‌آوری خبری اشاره کردند یا در خبرگزاری‌های داخلی درباره اینترنت طبقاتی و ارتباط اینترنتی یکی از دانشگاه‌های کشور با دانشگاه بغداد برای برگزاری دوره مشترک صحبت شد و به معناي اینترنت طبقاتی و توجه‌نکردن به حق خبرنگاران قلمداد شد.
شایعاتی درباره دسترسی بازگنان به اینترنت و همچنین دسترسی بعضی به اینترنت و دسترسی نداشتن دیگران گزارش شد. البته خبرگزاری‌هایی مانند فارس به اینترنت دسترسی دارند که این مورد از گزارش‌های خبری آنها روشن است.

در این بین، یکی از موارد مغفول، چالش‌ها و آسیب‌هایی است که دانشگاه بابت قطع‌بودن تلفن در روزهای اولیه و اینترنت تاکنون متحمل شده است. به‌طوری‌که بسیاری از رشته‌هایی را که منابع اصلی در دانشگاه‌ها و نهادهای علمی و تحقیقاتی سراسر جهان پخش و توزیع هستند، در معرض خطر جدی قرار داده است. در اینجا مواردی از مشکلات از دید شخصی که مطالعاتش در رشته رایانه است گزارش می‌شود.
اولین مورد درباره ارتباطات بین الملل دانشگاه است. دانشجویان بین‌المللی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های ایران در چند روز ابتدایی هیچ راه ارتباطی برای اطلاع به خانواده‌هایشان نداشتند. پس از چهار روز تماس تلفنی بین‌المللی ممکن شد و دانشجویان خارجی نتوانستند با خانواده‌های خود تماس بگیرند که این خود مشمول هزینه فراوان است. تاکنون دانشجویان خارجی نتوانسته‌اند با خانواده‌های خود به‌صورت اینترنتی ارتباط برقرار کنند. البته حق ارتباط دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در خارج کشور با دل‌بندان‌شان در ایران هم به طریق اولی برقرار نیست. نکته‌ی پیداست که این مورد عدم امکان ارتباط راحت و اینترنتی با اهداف جذب دانشجوی خارجی در دانشگاه‌های ایران در تضاد است و هم پیامدهای انسانی و عاطفی و حقوقی دارد و هم خلاف منافع ملی است. از طرف دیگر، حداقل در بعضی دانشگاه‌ها قرار بوده است چندین دانشجوی بین‌المللی در مدت اخیر برای تحصیل به دانشگاه‌های داخلی مراجعه کنند. اما ارتباط به کلی قطع شد. در نتیجه، داوطلب تحصیل در ایران یا خانواده او دیگر رغب به تحصیل در دانشگاه‌های ایرانی خواهند بود که موجب عدم اعتماد بیشتر دانشجویان و مؤسسات و کشورهای منطقه به دانشگاه‌های ایرانی و فرصت کمتر دانشگاه‌های ایرانی خواهد شد.
مورد مهم دیگر، ارتباطات بین‌المللی دانشگاه برای عقد تفاهم‌نامه و قرارداد با دانشگاه خارجی می‌شود. درباره امور پژوهشی یا طرح‌های دانشگاه‌های داخلی نمی‌توانند ارتباط‌گیری متناسب با منافع ملی داشته باشند. حتی در پیگیری‌ها روشن شد که سازمان‌ها و نهادهای استانی و ملی نیز در رابطه با قطعی اینترنت نه اطلاعی ندارند و نه قدرت و قوه تصمیم‌گیری مناسبی. همان‌طور که اشاره شد، به دلیل قطعی اینترنت، مشکلات و نارسایی‌هایی در رابطه با امر آموزش و پژوهش در دانشکده علوم رایانه و فناوری اطلاعات برای اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان پیش آمده که در ادامه اشاره می‌شود.
درباره امر پژوهشی یا طرح‌های واسطه‌های استخراج مقالات و کتاب‌ها بود. جز آنها، با دسترسی نیست یا اگر دسترسی وجود داشته باشد امکان بهره‌برداری از نتایج جست‌وجو فراهم نیست. در نتیجه مفاهیم و اطلاعات را نمی‌توان احصا کرد. از آن مهم‌تر دسترسی به مخزن‌های جست‌وجو و واسط برای احصای مقالات و کتاب‌ها مانند گوگل اسکولار و اسکوپوس ممکن نیست.
نکته‌ی پیداست با نبود ارتباط و یونئمان بین‌المللی کتاب‌ها و مجلات علمی (به دلیل گرانی و تحریم) تنها راه ارتباطی دانشگاه ایرانی از طریق همین واسطه‌های استخراج مقالات و کتاب‌ها بود.

استادان و دانشجوین در دانشگاه‌های ایرانی ارتباطات بین‌المللی خود را با همکاران چه ایرانی و چه غیرایرانی ساکن در دیگر نقاط دنیا از دست داده‌اند. دسترسی به ایمیل‌های بین‌المللی نیز از ایرانیان و به تبع آن دانشگاہیان دریغ شده است. از چند نفر از همکاران شنیدم که برای ارتباطات بین‌المللی خود به کشورهای همسایه مانند ترکیه مراجعه کردند. به دیگر سخن، وان ترکیه نه صرفا برای تفریح ایرانیان بلکه قطبی برای کارهای علمی ایرانی در خاک ترکیه شده است.
ثبت مقالات در مجلات بین‌المللی به دلیل عدم دسترسی به تارمانه‌ها (وب‌سایت‌ها) تا اطلاع ثانوی غیرممکن است. حتی امکان پیگیری وضعیت مقالات ثبت‌شده (حتی در یک مورد مجله علوم رایانشی نیز که داخلی است، از دست رفته) میسر نیست. این مورد زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین عوامل ارتقای استادان در وزارت عتف، میزان مقالات بین‌المللی معتبر پذیرفته‌شده هیئت‌علمی است. در موردی که شخصا برایم پیش آمد، لحظه‌ای کوتاه اتصال به یکی از ایمیل‌ها ممکن شد و کاشف به عمل آمد حدود یک هفته پیش از آن یکی از مقالات ثبت‌شده من و همکارانم مشمول تصحیح شده است و با ادامه قطعی امکان نهایی‌سازی آن از ما و جوانان هم‌گروهم دریغ خواهد شد. علاوه بر از دست رفتن فرصت تحقیقاتی در چنین مواردی، این نادیده‌انگاری حقوق در ناامیدی هرچه بیشتر افراد خاصه دانشجویان جویای دانش و کوشا برای ارای اثر سوء، مضاعف دارد.
معمولا اعضای هیئت‌علمی برای نگارش مقالات و پایان‌نامه‌ها از ابزارهای آنلاین جهت طراحی نمودار و جداول و کار با حروف‌چین لثک به‌صورت برخط با اتصال به سایت‌هایی (مانه‌هایی) برای نگارش مقالات مانند اورلیف و مانند آن مشغول هستند که با عدم اتصال، چنین ابزارهایی از محققان سلب شده است یا دسترسی به متن‌های نیمه‌تام را به کلی از دست داده‌اند. دانشجویان و محققانی که برنامه‌نویسی و کدنویسی رایانه را در کارهای تحقیقاتی خود پیش می‌برند، نیاز به بارگیری (دانلود) کتابخانه‌های زبان‌های برنامه‌نویسی یا دسترسی به کدهای موجود در مخزن‌هایی مانند گیت‌هاب (کدهای مقالات و برنامه‌ها)، هابینگ‌فیس (مخزن برای احصا یا استفاده از کدهای هوش مصنوعی) و مخزن‌های مقالات و کتاب دارند. حتی بسیاری از محققان کدهای خود را برای دسترسی عموم یا عرضه به شرکت و سازمان‌های ایرانی و جامعه علمی بین‌المللی در چنین مخازنی قرار می‌دهند که فعلا نه توان بارگیری است و نه بارگذاری. مواردی که بالاتر ذکر شد، شمه و فهرستی کوتاه از مشکلات محروم‌سازی حق استفاده از اینترنت خاصه برای دانشگاه‌است. شاید اینترنت به‌زودی وصل شود ولی این تصمیم اشتباه ممکن است در آینده تکرار شود؛ چنان‌که در اوایل مدارس به مدت کوتاه تعطیل می‌شدن ولی اخیرا به‌صورتی نرمال درآمد و موجب ضرر و زیان فراوان برای آموزش فرزندان ایران و آسیب‌های جدی بلندمدت شده است. ممکن است در آینده نیز با عدم چاره‌اندیشی مناسب برای مشکلات ملی، قطع دسترسی به اینترنت برای تصمیم‌سازان عادی و پیش‌افتاده شود و اولین نسخه مواجهه با چالش‌ها باشد. اما چنین تصمیمات عدل‌وقتی، منافع ملی را در نظر نمی‌گیرد و ضربه به منافع ملی و ناامیدی واز حیز انتفاع خارج‌کردن نهادهای تولید علم کمترین ضربه آن است. حل‌نشدن چنین مشکلاتی به‌نوعی ادامه فعالیت پژوهشی و آموزشی دانشگاه‌ها را با مشکل جدی مواجه می‌کند و نقض غرض اهداف کلان دانشگاه در ایران است.

✽ عضو هیئت‌علمی دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان

www.sharghdaily.com



«شرق» از اثرات تعطیلی‌های پی‌درپی کشور هر روز به یک بهانه، گزارش می‌دهد

کرکره‌های پایین

تحمیل تعطیلی اثرات روانی واجتماعی بلندمدتی دارد و زیست افراد را متحول می‌کند. در این تعطیلی‌ها

حسی از جبر جاری است که به اشکال مختلف روان جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد

نیلوفر حامدی

آتلاین در فضای آموزشی و تحصیلی کشور ما، پس از تجربه پاندمی کرونا شکل گرفت. سامانه نشاط راه‌اندازی شد و برخی مدارس هم با اپلیکیشن‌های دیگر کلاس‌هایشان را برگزار می‌کردند. اما پرواضح بود که این تجربه از نظر کیفیت آموزشی نتوانست راندام خوبی را بر جا بگذارد.
بااین‌حال، در دوران شیوع ویروس کرونا این موضوع جهانی بود و همه کشورها با این بحران بین‌المللی درگیر داشتند. هر کشوری تلاش می‌کرد به نوعی راهکار خودش را طراحی و اجرا کند. اما پس از کرونا، اتفاقات مختلفی در کشور منجر به بسته‌شدن درهای مدارس می‌شد؛ از ناترازی انرژی و سرما تا آلودگی هوا و اعتراضات خیابانی.
تصمیم بر تعطیلی مدارس اما در چند سال اخیر و مشخصا سال تحصیلی جاری به شکل عجیبی پدیدار شده و همین موضوع هم مسئله تعطیلی تحصیلی را به شکل متفاوتی در حوزه آموزش ما رقم زده است.

برای جبران عقب‌افتادگی‌ها همه توانایی پرداخت هزینه کلاس‌ها و معلم خصوصی را ندارند. «ناگفته پیداست که در فضای آموزش آنلاین، راندام آموزش و یادگیری افت می‌کند. این را می‌شود از نمرات سال‌های اخیر دانش‌آموزان ایرانی و آمار پیرامون کیفیت آموزشی‌هم دید. برای مقابله با این افت کیفیت آموزش، برخی خانواده‌ها که از نظر مالی شرایط مساعدی دارند، سراغ کلاس‌های خصوصی می‌روند. با معلم‌های خانگی تلاش می‌کنند تا آن عقب‌ماندگی حاصل از تعطیلی مدارس را برای افراد دانش‌آموز خود جبران کنند. هرکسی که در این جامعه زندگی کند، به خوبی آگاه است که این اقدام برای خانواده‌های اندکی ممکن است. در شرایطی که وضعیت اقتصادی برای سیرست خانواده‌ها هر روز سخت‌تر از دیروز می‌شود، رسیدگی به هزینه‌های عادی هم برای والدین دشوار است، چه رسد به اینکه سراغ هزینه‌های مازد بروند».
همه اینها در شرایطی است که مدرسه فقط یک نهاد آموزشی نیست؛ «مدرسه تنها نهاد آموزشی نیست و وظیفه مهم پرورش را هم بر عهده دارد. مدرسه، فضایی است که کودکان و نوجوانان ما قرار است بخشی از روند جامعه‌پذیری خود را در آن تجربه کنند؛ دوست‌یابی، حل بحران، معاشرت با دیگران، تمرین صبر و هزاران موضوع دیگر که در فضای مدرسه می‌توان آن را در حلقه همسالان آموخت. در فقدان نهاد مدرسه، این راهمایی‌شان فرهنگی و پرورش دانش‌آموزان نیز دچار وقفه می‌شود.

به عقیده او، بیشترین آسیب متوجه دانش‌آموزان ابتدایی می‌شود: «در فضای آموزش آنلاین و غیبت نهاد مدرسه کلاس درس، بیشترین آسیب متوجه مقطع ابتدایی می‌شود؛ چراکه آنها در ابتدای راه هستند و نیاز است قدم به قدم، معلم دست‌شان را بگیرد و راهنمایی‌شان کند. چنین هدایتی از راه دور بسیار دشوار می‌شود و مسیر آموزش را کندتر و ضعیف‌تر می‌کند. در مقاطع دیگر، این امکان که هم‌کلاسی‌ها بتوانند بیشتر به یکدیگر کمک کنند وجود دارد. از سوی دیگر، در مقطع دبستان چون آموزش پایه است، خانواده‌ها نیز اصول آموزش پایه را نمی‌دانند و در نتیجه نمی‌توانند چیزی را به فرزند خود منتقل کنند. نتیجه هر ساختمانی منوط به بن و پایه آن است و وقتی پایه درست پی‌ریزی نشود، نمی‌توان از نتیجه انتظار خوبی داشت. آموزش دانش‌آموزان هم دقیقا به همین شکل است».
از نگاه او اما هنوز راهکارهایی برای برون‌رفت از این وضعیت وجود دارد: «به نظر من نیاز است یا صداوسیمیا یا یک پلنفرم به‌عنوان نیروی پشتیبان تحصیلی دانش‌آموزان به کار گرفته شود. مثلا همان‌طور که در دوران کرونا شبکه‌های تلویزیونی کار آموزش را بر عهده گرفته بودند، نیاز است معلمانی استخدام شوند تا در صورت نیاز دانش‌آموزان به اصلاح و رفع اشکال، بتوانند به آنها مراجعه کنند و در آن فضای پلنفرمی پرسش‌های خود را مطرح کنند».

اختلال در زیست جامعه

«آذر تشکر»، جامعه‌شناس و لایف‌کوچ، با تبیین نظم زندگی مدرن شهری صحبت‌هایش را آغاز می‌کند و به «شرق» می‌گوید: «زندگی مدرن شهری امروز به معنای آن است که روزهایی در هفته به‌عنوان روزهای کار و اشتغال و فعالیت در نظر گرفته می‌شوند. طبق قراردادهای شهرنشینی این تعداد روزها در کشورهای مختلف بین پنج تا شش روز متغیر است. یک تا دو روز هم به‌عنوان روزهای

تعطیل آخر هفته برای بازتوانی جسمی و روانی در نظر گرفته می‌شود تا افراد بتوانند با صرف وقت‌شان برای آنچه فراغت می‌نامند، مجدداً به چرخه کار و اشتغال برگردند. بنیاد و فلسفه تعطیلی از منظر فردی همین است. تعطیلات سالانه‌ای هم در عرصه جمعی طراحی شده که هدفش پیوندهای جمعی، تعلق خاطر داشتن به احساسات جمعی و عضوی از کل بودن است و در قالب مناسبت‌هایی همچون عید نوروز برای ما در تعطیلات کریسمس برای کشورهای دیگر و راهزهای ملی کشورهای دیگر شکل می‌گیرد».
تشکر معتقد است این شرایط پویایی انسانی را هم سلب می‌کند: «بین روزهای فعال و کاری و روزهای استراحت پیوستگی توأمان وجود دارد. یعنی ما کار می‌کنیم که بتوانیم فراغت داشته باشیم و اینها به هم وابسته‌اند. دقیقا مثل نوت‌های موسیقی که هم بخش اولایی آن حساب است و هم نوت سکوت. چنین پیوستگی‌ای، یک نظم در سیستم اجتماعی ایجاد می‌کند که افراد مبتنی بر آن، نظم زندگی فردی و جمعی خود را تبیین می‌کنند. وقتی جامعه در شرایطی قرار می‌گیرد که این نظم از او سلب می‌شود، ذهن، بدن و روانش به‌طور توأمان به هم می‌ریزد. افراد در فضای تعلیقی غرق می‌شوند. آن‌وقت نه می‌دانند که این فضا تعبیرکرد است و نه متوجه پیشرفت می‌شوند. در حالی که انسان بالذات نیاز به پویایی و فعالیت و پیشرفت دارد، نه رکود و درجازدن».

چنین وضعیت توقفی، اثرات روانی و اجتماعی بلندمدتی دارد که حتی تا نسل‌ها باقی می‌ماند: «شاید برخی تصور کنند که این تعطیلی‌ها اتفاقی موقتی است که پس از به‌ترشدن شرایط افراد می‌توانند به حالت عادی برگردند. در حالی که این‌طور نیست. این تحمیل تعطیلی که کاملا هم غیر قاعده است، اثرات روانی و اجتماعی بلندمدتی دارد که حتی تا نسل‌ها باقی می‌ماند. زیست افراد را متحول می‌کند و در آن یک حسی از جبر جاری است که به اشکال مختلف روان جامعه را بیش از پیش تحت تأثیر قرار می‌دهد».

به گفته او در این شرایط، مردم به‌طور مرتب شرایط خود را با کشورهای دیگر هم مقایسه می‌کنند؛ «وقتی می‌گویند مدرسه‌ها به دلیل سرمای هوا تعطیل شده‌اند، طبیعی است جامعه دچار پرسش و البته مقایسه می‌شود. آن‌هم اینکه سرما فقط متعلق به کشور ما نیست و کشورهای دیگری هستند که چندین برابر از ایران دمای پایین‌تری را تجربه می‌کنند. آیا در آن کشورها نیز تعطیلی، آن‌هم با این میزان رخ می‌دهد؟ پاسخ منفی است. همین پرسش و مقایسه و نتیجه بار دیگر روی افراد یک جامعه تأثیر منفی می‌گذارد».
تشکر با اشاره به یکی از گزاره‌های پرترکاری که برخی اوقات از زبان مسئولان کشور شنیده می‌شود، ادامه می‌دهد: «گاهی می‌شنویم مسئولان کشور از شلوغ‌شدن جاده‌ها و مسافرت مردم در زمان تعطیلی‌ها می‌گویند و آن را نشانه‌ای از عادی‌بودن فضا می‌دانند. در حالی که اصلا این‌طور نیست. واضح است وقتی همه امکان‌ها را از یک جامعه بگیریم و بگوییم هر کاری می‌خواهی بکن، مردم سفرهای بی‌برنامه‌ای خواهند داشت. هرچند آن سفر فقط راهی برای پرکردن وقت است نه یک فراغت سالم. این سفرها اغلب با کلافگی همراه می‌شوند، حتی امکان استراحت خوبی را هم مهیا نمی‌کنند و چون مبتنی بر همان نظم زندگی مدرن نیستند، سازنده هم نخواهند بود. لذت‌بردن از تعطیلات اگر هم‌سو با ریتم زندگی فعال و

سوار بر ضربه‌های آن بخش پویای زیست افراد نباشد، هیچ مزایای نخواهد داشت. در نتیجه چنین اظهارنظرهایی هم صرفا دردزین زمان زدایی مردم و به‌هم‌زدن ریتم زندگی جامعه است».

در این میان همه جامعه وضعیت زیستی مخدوشی را تجربه می‌کند؛ «از دانش‌آموزی که مدرسه‌رفتش دچار تعلیق می‌شود تا سالمندی که باید جواب آزمایشش را بگیرد در این بستر آسیب می‌بیند. حالا دیگر آسیب‌های کلان تأثیر بر رشد و توسعه و شاخص‌های آن و مواردی همچون تولید ناخالص داخلی بماند».

خبرخوان

۳۷۸ کشته تصادفات در ۹ ماه

ایسنا؛ معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ از مرگ ۳۷۸ نفر در تصادفات بزرگراهی پایتخت در ۹ ماه اخیر خبر داد.
فیروز کشیر درباره اعمال قانون انجام‌شده در پایتخت گفت: «از ابتدای امسال حدود یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار فقره تخلفات حادثه‌ساز در بزرگراه‌های تهران به ثبت رسیده است که این آمار نشان می‌دهد متأسفانه عده‌ای از رانندگان، تخلفات حادثه‌ساز را انجام می‌دهند که بسیار خطرناک است». او با اشاره به آمار فوتی‌ها افزود: ۳۷۸ نفر در ۹‌ماه امسال در محورهای بزرگراهی جان خود را در تصادفات از دست داده‌اند که متأسفانه ۳۰ درصد از این تصادفات از ساعت ۱۲ بامداد تا ساعت چهار صبح رخ داده است.
کشیر افزود: «از ابتدای امسال ۴۲ درصد از کشته‌شدگان تصادفات در بزرگراه‌ها، عابران پیاده بودند که این نشان می‌دهد متأسفانه عابران قوانین و مقررات را در بزرگراه‌ها رعایت نمی‌کنند و جان خود را با عبور ناایمن از بزرگراه‌ها از دست می‌دهند».
معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ ادامه داد: «موتورسیکلت‌سواران با آمار ۳۳درصدی و سرنشینان خودروها با آمار ۲۵درصدی در جایگاه بعدی فوتیان تصادفات قرار دارند».
براساس اعلام او، سه علت اصلی تصادفات در بزرگراه‌ها، شامل بی‌توجهی به جلو یا آمار ۴۲درصدی، ناتوانایی در کنترل وسیله نقلیه با سهم ۲۵درصدی و تغییر مسیر ناگهانی با آمار هفت‌درصدی هستند.

کمبود خون برای بیماران تالاسمی

ایلنا؛ رئیس انجمن تالاسمی ایران گفت: «درحال‌حاضر بیش از ۱۴۰ مرکز درمانی دولتی در کشور با کمبود خون در بخش تالاسمی مواجه‌اند و این موضوع باعث شده است برخی بیماران که ماهانه به سه واحد خون نیاز دارند، با هیچ خونی دریافت نکنند یا تنها یک واحد خون به آنها تزریق شود».
یونس عرب با اشاره به کمبود خون برای بیماران تالاسمی افزود: «متأسفانه درحال‌حاضر با کمبود خون برای بیماران تالاسمی روبه‌رو هستیم؛

به‌طوری‌که دانشگاه علوم‌پزشکی یکی از استان‌ها اعلام کرده بود که خون‌دهی بیماران تالاسمی در اولویت قرار نگیرد و اولویت با مجروحان حوادث اخیر باشد». او ادامه داد: «در بیش از ۱۴۰ مرکز درمانی دولتی کشور، بخش‌های تالاسمی با کمبود خون مواجه‌اند و این مسئله باعث شده است بیمارانی که ماهانه به سه واحد خون نیاز دارند، گاهی هیچ خونی دریافت نکنند یا تنها یک واحد خون به آنها تزریق شود. این موضوع مشکلات متعددی برای بیماران ایجاد کرده و موجب شده است از انجام فعالیت‌های روزمره خود بازمانند».
رئیس انجمن تالاسمی ایران با تأکید بر نقش مردم در تأمین خون گفت: «خون تنها فراورده‌ای است که تأمین آن صرفا در اختیار سازمان انتقال خون یا وزارت بهداشت نیست، بلکه مستقیما به مشارکت مردم وابسته است. باید فرهنگ اهدای مستمر خون در جامعه نهادینه شود».
عرب با اشاره به آمار بیماران تالاسمی در کشور گفت: «در ایران بیش از ۲۳ هزار بیمار تالاسمی وجود دارد و حدود ۳۰ درصد از خون اهدایی مردم نیکوکار صرف درمان این بیماران می‌شود». او همچنین به مشکلات تأمین خون در شرایط بحرانی اشاره کرد و گفت: «جنگ ۱۲روزه اخیر، کابوسی جدی در حوزه انتقال و تأمین خون بود؛ چراکه فرایند انتقال خون شرایط خاصی دارد و رعایت زنجیره سرد الزامی است. در آن شرایط، انتقال هوایی عملا غیرممکن بود و متأسفانه نتوانستیم خون مورد نیاز استان سیستان‌وبلوچستان و برخی مناطق دوررست را از طریق سیستان‌وبلوچستان، هرمزگان، فارس، بوشهر و خوزستان، حضور و مشارکت مردم در اهدای خون ضروری است.